

## از کجا می دانست؟

شما هم می توانید مشتى از این جویباره برگیرید. از جویبارۀ علم که البته از سرچشمه خداوند جاری است. پس خداوند باید منبع سرشار دانایی باشد. یعنی تمام دانش اوست و اگر مسیح علیه السلام خدا باشد، نیز از همه چیز با خبر است. آه مسیح ما، می خواهیم آماده شویم. می شود به ما بگوئید، قیامت کی بر پا می شود؟

ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد؛ نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. <sup>(۱۷)</sup> اما مگر مسیح علیه السلام جزئی مساوی در ذات الهی نیست؟ پس باید بدانند؟ چرا نمی دانند؟

[عیسی] به مصیبتهایی که کشید اطاعت را آموخت. <sup>(۱۸)</sup> عجب! پس مسیح هم باید بیاموزد! مگر خداوند می آموزد؟ آیا می توان تصور کرد که خدا چیزی بیاموزد؟ مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد. <sup>(۱۹)</sup> آری، باید گفت خداوند نمی آموزد، بلکه می آموزاند. اما آیا اگر عیسی خدا می بود، باز هم باید می آموخت؟

۱۷. مرقس ۱۳: ۳۲ و متی ۲۴: ۳۶.

۱۸. نامه به عبرانیان ۵: ۸.

۱۹. مکاشفه ۱: ۱.

به درگاه خداوند دعا و درخواست می کرد: و نزدیک به ساعت نهم، عیسی به آواز بلند صدا زده گفت: «ایلی ایلی **لما سبقتنی**» یعنی الهی الهی مرا چرا ترک کردی. <sup>(۱۲)</sup>

پس قدری پیش رفته، به روی در افتاد و دعا کرده، گفت: ای پدر من، اگر ممکن باشد، این پیاله از من بگذرد، لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو. <sup>(۱۳)</sup>

بامدادان، قبل از صبح برخاسته، بیرون رفت و به ویرانه ای رسیده، در آنجا به دعا مشغول شد. <sup>(۱۴)</sup>

برای خداوند خود خضوع می کرد: و اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آن گاه خود پسر هم مطیع خواهد شد؛ او را که همه چیز را مطیع وی گردانید، تا آن که خدا کل در کل باشد. <sup>(۱۵)</sup>

خداوند را شکر می کرد: عیسی چشمان خود را بالا انداخته، گفت: ای پدر، تو را شکر می کنم که سخن مرا می شنوی. <sup>(۱۶)</sup>

خیلی زیباست که مسیح علیه السلام این همه عبادت می کرد، اما برای چه کسی؟ خدا؟ خودش؟ هر دو؟ هیچ یک؟ خودش را می پرستید؟ بنده بود و دیگری را می پرستید؟ و سالها از عمر این سؤالهای پاسخ داده نشده می گذرد.

۱۲. متی ۲۷: ۴۶.

۱۳. متی ۲۶: ۳۹.

۱۴. مرقس ۱: ۳۵.

۱۵. نامه اول پولس به قرنتیان ۱۵: ۲۸.

۱۶. یوحنا ۱: ۴۱.

۲

# نقد تثلیث

## «تثلیث و کتاب مقدس»

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب

[www.adyannet.com](http://www.adyannet.com)

۵

۴

## تثلیث و کتاب مقدس

### فقط یک آیه صریح می‌خواهیم!

آیا در کتاب مقدس از تثلیث [سه‌گانگی خدا در عین یگانگی‌اش] سخنی به میان آمده است؟ هر چه گشتیم، کم‌تر یافتیم؟ ممنونیم اگر به طور مستند ما را راهنمایی فرماید. البته ببخشید. یافتیم. همین الان یافتیم:

ای اسرائیل بشنو: یهوه، خدای ما یهوه، واحد است.<sup>(۱)</sup>

من هستم یهوه خدای تو... تو را خدایان دیگر غیر از من، نباشد.<sup>(۲)</sup>

من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدائی، نی.<sup>(۳)</sup>  
تو که اسمت یهوه می‌باشد، به‌تنهایی بر تمامی زمین متعال هستی.<sup>(۴)</sup>

خدا یک است.<sup>(۵)</sup>

متأسفیم که این آیات همه بر وحدانیت خداوند دلالت داشتند. در مقاله‌ای موارد فراوانی را از این دست برشمرده بود، اما ما آیات تثلیث را می‌خواهیم، نه اینها را. آیاتی که به روشنی بر تثلیث دلالت کند.

در اسلام که بر پایه توحید بنا شده است، سرتاسر قرآن و روایات، مملو از آیات توحید است همانند: «قُلْ هُوَ اللَّهُ

۱. تثنیه، ۶: ۴.

۲. خروج، ۲۰: ۲ و ۳.

۳. ایشعیا، ۴۵: ۵.

۴. مزامیر، ۸۳: ۱۸.

۵. نامه پولس به غلاطیان، ۳: ۲۰؛ همچنین ر.ک: ۱ قرنتیان، ۸: ۴-۶.

أَحَدٌ»<sup>(۶)</sup>، اما چرا در مسیحیت، که یکی از بنیانهای عقیدتی آن تثلیث است، در کتاب مقدس، حتی یک آیه هم در تبیین صریح و تأیید تثلیث وجود ندارد؟<sup>(۷)</sup>

### مطمئن باشید خداوند صالح است!

کاری به پدر یا پسر بودنش نداریم؛ اما اگر واقعاً مسیح علیه السلام خداوند است، باید صالح باشد؛ پس چرا خود ایشان، صالح بودنش را نفی کرده است؟

«ناگاه شخصی آمده، وی را گفت: ای استاد نیکو و صالح، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟ وی را گفت: از چه سبب مرا صالح گفتی و حال آنکه کسی نیکو و صالح نیست، جز خدا؛ لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاه دار.»<sup>(۸)</sup>

اگر مسیح علیه السلام آن‌گونه که کتاب مقدس می‌گوید، صالح نیست، پس خدا هم [صالح] نیست؛ زیرا که از صفات قطعی خداوند آن است که صالح [بوده] و سرچشمه نیکوییها باشد. با توجه به نفی صلاحیت مذکور، چه معیاری برای خداوندگاری مسیح علیه السلام وجود دارد؟ از سوی دیگر انسانهای دیگری قبل و بعد از مسیح بوده‌اند که کتاب مقدس، آنها را مردمانی صالح دانسته است.<sup>(۹)</sup> چطور آنان صالحند؛ اما

۶. اخلاص ۱.

۷. برخی از دوستان مسیحی در پاسخ به این سؤال، به انجیل متی (۲۸: ۲۰)، استناد می‌کنند: «پس رفته... و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید.» جالب است! صرفاً در کنار هم آوردن چند اسم، چگونه می‌تواند دلیل تثلیث و اتحاد این سه باشد؟

۸. متی، ۱۹: ۱۶-۱۸.

۹. ر.ک: لوقا ۲۳: ۵۰ و اعمال رسولان ۱۱: ۲۲-۲۵.

مسیح که معلم و خدای آنان است، خود اعتراف می‌کند، صالح نیست؟! معلوم می‌شود، نفی صلاحیت ایشان از روی تواضع نبوده و نیک بودن خویش را نیز نفی نکرده است؛ بلکه صلاحیت خدا بودن را از خود رانده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که مسیح علیه السلام بشری بود، صالح و نیکوتر از همگان؛ اما نفی صلاحیتش در این بوده که خداوند نبود. [آیا این مطلب درست است؟]

### آیا خداوند، خودش را می‌پرستید؟

همه کارهایش خوب بود به جز یک کار؟ اخلاقش! منشش! محبتش! همه خوب و عالی؛ اما حیف که مسیح علیه السلام در عبادت خداوند کاهلی می‌کرد. زیاد اهل عبادت نبود! بی‌حال بود. ناگهان رگهای گردن بیرون زد و ایمان‌داران وفادار، هر یک به نوعی به دفاع از مسیح مهربان پرداختند. خیر، مسیح در عبادت خداوند، بهترین بود. کتاب مقدس پر است از مواردی که به روشنی می‌گوید، مسیح علیه السلام عبادت می‌کرد: کو؟ نشانت می‌دهیم. چشمانت را باز کن و ببین: روزه می‌گرفت... و چون چهل شبانه روز روزه داشت، آخر گرسنه شد...<sup>(۱۰)</sup>

خدا را سجده می‌کرد... آن‌گاه عیسی وی را گفت: «... مکتوب است که خداوند، خدای خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما.»<sup>(۱۱)</sup>

۱۰. متی ۴: ۱ و ۲.

۱۱. متی ۴: ۹-۱۰.